بسم الله الرحمن الرحیم[[1]](#footnote-1)

**آخرین ضابطه: ضابطه ششم مرحوم شیخ انصاری**

آخرین ضابطه در شناخت شبهه محصوره ضابطه ای است که مرحوم شیخ انصاری در رسائل[[2]](#footnote-2) به عنوان آخرین ضابطه مطرح میکنند. و اعتمادشان به این ضابطه بیش از سایر ضوابط است و نسبت به سایر ضوابط تردید دارند که و لکن معذلک لم یحث فی النفس وثوق بشیء منها. این ضابطه که فی الجمله دقیق و مورد توجه است را اشاره می‌کنیم سپس جمع بندی می‌کنیم مطالب را.

می‌فرمایند شبهه غیر محصوره شبهه‌ای است که به جهت کثرت اطراف، عقلا به علم اجمالی موجود در اطراف آن شبهه، اعتنا نمی‌کنند و ترتیب اثر نمی‌دهند. هر جا کثرت اطراف باعث شد عقلا به علم اجمالی موجود در آن اطراف ترتیب اثر ندادند می‌شود شبهه‌ی غیر محصوره. ممکن است گفته شود یکی از صاحبان این سه مغازه دزدی و اجحاف می‌کنند اطراف شبهه محصوره است و به علم اجمالی ترتیب اثر داده می‌شود لذا هر کدام از این سه نفر عکس العمل نشان می‌دهند و انکار می‌کنند، اینجا عقلا به علم در اطراف شبهه، اثر مترتب می‌کنند گاهی هم فردی می‌گوید یکی از مغازه دارهای قم دزد است وقتی این را اعلام کند یک یک صاحبان مغازه عکس العمل نشان نمی‌دهند و اینجا جایی است که کثرت اطراف باعث می‌شود که به این علم اجمالی اثر مترتب نمی‌کنند.

مثال دوم فرد به زید می‌گوید یا دیدم پسر شما یا پسر همسایه که سوار موتور بود تصادف کرد اینجا هر دو ترتیب اثر می‌دهند هم زید هم همسایه اش. اما اگر به زید بگویند امروز در قم یک موتور سواری تصادف کرد اینجا با اینکه پسرش موتور سوار می‌شود، لکن کثرت اطرفا باعث می‌شود به علم اجمالی موجود هیچ اثری مترتب نمی‌کنند. لذا مرحوم شیخ می‌فرمایند هر جا کثرت اطراف باعث شد که عقلا به علم اجمالی موجود د رآن اطراف اثر مترتب نکنند می‌گوییم شبهه غیر محصوره است.

جمعی از محققان از جمله مرحوم نائینی مدرسه نجف مرحوم خوئی و مرحوم عراقی به این ضابطه اشکالاتی دارند که به سه اشکال اشاره می‌کنیم.

**اشکال اول: اشکال مرحوم نائینی**[[3]](#footnote-3)

مرحوم نائینی در اجود ج2، ص276 ابتدا کلام شیخ انصاری را می‌خواهند تحلیل کنند و تبدیل کنند به یک ضابطه علمی و بعد هم اشکال می‌کنند لذا چنین می‌فرمایند که مقصود شیخ انصاری و غرضشان این است که گاهی کثرت اطراف باعث می‌شود احتمال در هر طرفی موهوم و ضعیف شود، و چون احتمال تکلیف موهوم است عقلا به احتمال موهوم اعتنا نمی‌کنند. سپس اشکالی بیان می‌کنند که توضیحش از ما است می‌فرمایند موهوم بودن یک احتمال مراتبی دارد، در مباحث قطع و ظن گفته ایم به احتمال کمتر از پنجاه درصد می‌گویند وهم، احتمال موهوم مراتبی دارد به کدام مرتبه وهم عقلاء اعتنا نمی‌کنند؟ مرحوم شیخ انصاری این را بیان نکردند، احتمال وهم به پنج درصد باشد یا بیست درصد، تا چه حدی برسد عقلا اعتنا نمی‌کنند؟ پس تعریف شما احاله به مجهول است. لذا این تعریف شما صحیح نیست.

**اشکال دوم: اشکال مرحوم خوئی[[4]](#footnote-4)**

مرحوم خوئی در مصباح الاصول ج1، ص373 ابتدا همان توضیح مرحوم نائینی استادشان را نسبت به ضابطه مرحوم شیخ قبول می‌کنند همان تحلیل را که بناء عقلا بر این است که احتمال وقتی موهوم شد عقلاء به احتمال موهوم عمل نمی‌کنند این مقصود شیخ انصاری است سپس اشکال می‌کنند که این تحلیل شما قابل قبول نیست که هر جا احتمال موهوم است عقلاء به احتمال موهوم اعتنا نمی‌کنند، اتفاقا مواردی داریم لابأس به که عقلا به احتمال موهوم ترتیب اثر می‌دهند، نه اینکه ترتیب اثر نمی‌دهند. مثلا دو ظرف مایع است قطره خونی چکید، هفتاد درصد احتمال می‌دهیم در ظرف الف افتاد و سی درصد احتمال می‌دهیم در ظرف ب افتاد نسبت به ظرف ب احتمال موهوم است. طبق ملاک شما عقلاء نباید اعتنا کنند در حالی که اینجا عقلاء اعتنا می‌کنند و احتیاط می‌کنند پس معلوم می‌شود این ملاکی که شمای شیخ انصاری درست کردید به احتمال موهوم عقلاء اعتنا نمی‌کنند این قابل قبول نیست.

**اشکال سوم: اشکال محقق عراقی[[5]](#footnote-5)**

مرحوم عراقی در نهایه الافکار ج3، ص329 مطرح می‌کنند، ایشان از نگاه دیگری به شیخ انصاری اشکال می‌کنند و می‌فرمایند اینکه ادعا فرمودید عقلاء به احتمال موهوم ترتیب اثر نمی‌دهند و اعتنا نمی‌کنند فی الجمله صحیح است نه بالجمله. می‌فرمایند گاهی علم اجمالی و احتمالات در ضرر دنیوی غیر مهمه است اینجا کلامتان صحیح است و عقلاء به احتمال موهوم اعتنا نمی‌کنند صد یا دویست معامله انجام داده، مغازه دار در این هفته، شک دارد در یکی از این معاملات و خرید و فروشهایش مغبون شده باشد می‌گوید مهم نیست و پیگیری نمی‌کند که بررسی کند، کدام مورد بوده است. اما همینجا اگر احتمال موهوم در ضرر دنیوی مهم باشد عقلا اعتنا می‌کنند فرض کنید احتمال می‌دهد بین هزار خوراکی که خریده برای فروش علم اجمالی دارد که یکی از اینها به جای خوراکی یک سم مهلک است، اینجا قطعا اعتنا می‌کند و جستجو می‌کند.

می‌فرمایند عقلا به احتمال موهوم اگر محتمل مهم باشد کاملا اعتنا می‌کنند. سپس می‌فرمایند آیا احتمالات در اطراف احکام شرعیه از مطالب غیر مهم است یا نه از مطالب مهم است و بدون شبهه احکام شرعیه از مطالب مهمی است که بستگی به رضایت و عدم رضایت خداوند از انسان دارد استحقاق عقاب و امثال ذلک است، لذا اگر دائره احتمالات در اطراف احکام شرعیه باشد بدون شبهه عقلاء به احتمال موهوم هم اعتنا می‌کنند پس چگونه می‌فرمایید در شبهه غیر محصوره چون احتمال موهوم است عقلا به آن اعتنا نمی‌کنند.

این سه اشکال به نظر مرحوم شیخ انصاری.

**نقد استاد به کلام مرحوم نائینی و خوئی:**

ما کلام مرحوم شیخ انصاری را کاملا تحلیل می‌کنیم تا ببینیم آیا این ادعا و کلام ایشان صحیح است یا نه اما الآن به مرحوم نائینی و مرحوم خوئی عرض می‌کنیم این تحلیلی که شما از کلام شیخ انصاری ارائه دادید چه دلیلی دارد؟ مرحوم شیخ انصاری فرمودند: گاهی قلّت اطراف است که عقلا به علم اجمالی موجود اعتنا می‌کنند و گاهی کثرت اطراف است در کثرت اطراف عقلاء به علم اجمالی موجود اعتنا نمی‌کنند و شمای مرحوم نائینی ضابطه را به موهوم بودن برگرداندید و گفتید احاله به مجهول است مرحوم شیخ انصاری روش عقلا را بیان می‌کنند، احتمال موهوم باشد یا نه کاری ندارند. می‌گویند هر جا دیدید کثرت اطراف باعث شد عقلا اعتنا نکنند، به علم اجمالی می‌گوییم شبهه غیر محصوره است حال بخاطر احتمال موهوم باشد یا نه.

به مرحوم خوئی هم عرض می‌کنیم شما نقض کردید به شبهه محصوره، گفتید هر احتمال موهومی را عقلا واگذار نمی‌کنند ببینید در شبهه محصوره احتمال موهوم است و عقلا اعتنا می‌کنند، این اشکال به تحلیل شما است نه بیان شیخ انصاری. شیخ انصاری فرمود هر جا کثرت افراد و اطراف باعث بی اعتنایی عقلا شد در رابطه با قلّت افراد هر چند موهوم باشد عقلا اعتنا می‌کنند این اشکال به شیخ نشد که!! پس اینکه شما مورد شبهه محصوره را که عقلا اعتنا می‌کنند به احتمال موهوم اشکال به شیخ نمی‌شود چون شیخ نگفت هر جا احتمال موهوم است عقلا اعتنا نمی‌کنند.

لذا تا اینجا اشکال مرحوم نائینی و مرحوم خوئی وارد نیست، نسبت به کلام مرحوم عراقی هم جلسه بعد نکته ای بیان خواهیم کرد.

1. . جلسه بیست و دوم، مسلسل 140 –‌‌‌ یکشنبه – 11/8/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. -فرائد الاصول ج 2 ص 265: الوجه السادس: [عدم الابتلاء إلّا ببعض معيّن‏]: أنّ الغالب عدم ابتلاء المكلّف إلّا ببعض معيّن من‏ محتملات‏ الشبهة الغير المحصورة و يكون الباقي خارجا عن محلّ ابتلائه، و قد تقدّم‏ عدم وجوب الاجتناب في مثله مع حصر الشبهة، فضلا عن غير المحصورة. [↑](#footnote-ref-2)
3. اجودالتقریرات ج2 ص 276: (و أما) ما أفاده العلامة الأنصاري (قده) من الضابط و هو ان يكون الكثرة في الأطراف موجبة لموهومية احتمال التكليف في كل من الأطراف (فإن) رجع إلى ما ذكرناه من الضابط (فهو) و إلا فيرد عليه مضافا إلى انه لا ضابط لموهومية الاحتمال الملازمة للكثرة ضرورة ان مراتب الموهومية كثيرة فأي مرتبة من الموهومية يكون هو الميزان في عدم حصر الشبهة (ان مجرد) ضعف الاحتمال لا يوجب عدم تنجيز العلم حتى يجوز مخالفته القطعية أيضا فإن العلم بالتكليف مع القدرة على امتثاله يوجب لزوم تحصيل الفراغ عنه يقينا فكما ان العقل يستقل بوجوب تحصيله مع الاحتمال الغير الموهوم فكذلك يستقل به مع الاحتمال الموهوم أيضا [↑](#footnote-ref-3)
4. . مصباح الأصول ( مباحث حجج و امارات - مكتبة الداوري ) ؛ ج‏1 ؛ ص373: (الوجه الثاني)- ما ذكره شيخنا الأنصاري (ره) من ان الشبهة غير المحصورة ما كان احتمال التكليف في كل واحد من الأطراف موهوما لكثرة الأطراف. و فيه (أولا) ما ذكره المحقق النائيني (ره) من انه إحالة إلى امر مجهول، فان الوهم له مراتب كثيرة، فأي مرتبة منه يكون ميزانا لكون الشبهة غير محصورة. و (ثانيا)- ان موهومية احتمال التكليف لا يمنع من التنجيز، و لذا يتنجز التكليف المردد بين طرفين، و لو كان احتماله في أحدهما ظنيا، و في الآخر موهوما و السر في ذلك ما تقدم من ان مجرد احتمال التكليف بأي مرتبة كان يساوق احتمال العقاب، و هو الملاك في تنجز التكليف ما لم يحصل المؤمن. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهایة الافکار ج 3 ص 329: (منها) ما عن الشيخ قدس سره من تحديده بما بلغ كثرة الأطراف إلى حد يوجب عدم اعتناء العقلاء بالعلم الإجمالي فيها، لما هو المعلوم من اختلاف حال العلم الإجمالي عند العقلاء في التأثير و عدمه مع قلة المحتملات و كثرتها، كما يرى بالوجدان الفرق الواضح بين قذف أحدالشخصين لا بعينه و بين قذف أحد من في البلد، حيث يرى تأثير كلا الشخصين في الأول و عدم تأثير أحد من في البلد في الثاني، و كذا لو أخبر شخص بموت شخص مردد بين ولده و شخص آخر أجنبي، فانه يضطرب حاله بمجرد سماع هذا الخبر، بخلاف صورة الاخبار بموت شخص من أهل بلده مرددا كونه في نظره بين ولده و بين غيره من أهل البلد، حيث لا يتأثر و لا يضطرب حاله من الاخبار المزبور (و فيه ان) ما أفيد من عدم اعتناء العقلاء بالضرر مع كثرة الأطراف، انما يتم في مثل المضار الدنيوية، و ذلك أيضا فيما يجوز توطين النّفس على تحملها لبعض الاعراض، لا ما يكون مورد الاهتمام التام عندهم كالمضار النفسيّة، و إلّا ففيها يمنع إقدامهم على الارتكاب بمحض كثرة الأطراف لو علم بوجود سم قاتل في كأس مردد بين الف كئوس أو أزيد يرى انه لا يقدم أحد على ارتكاب شي‏ء من تلك الكئوس و ان بلغت الأطراف في الكثرة ما بلغت، لا في المضار الأخروية التي يستقل العقل فيها بلزوم التحرز عنها و لو موهوما، فان في مثله لا بد في تجويز العقل للارتكاب من وجود مؤمن يوجب القطع بعدم العقوبة على ارتكابه و لو بإخراجه عن دائرة المفرغ بجعل ما هو المفرغ غيره من الأطراف الأخر، و إلّا فبدونه لا بد من الاحتياط بالاجتناب عن كل ما يحتمل انطباق المعلوم بالإجمال عليه و لو موهوما، نظرا إلى مساوقة احتمال المزبور لاحتمال الضرر و العقوبة المحكوم بحكم العقل بوجوب دفعه و التحرز عنه‏ [↑](#footnote-ref-5)